

ارزیابی اثر اقتصادی درآمدهای مالیاتی بر میزان مخارج جاری دولت در ایران: یک تحلیل تجربی (۱۳۸۳ - ۱۳۵۷)

دکتر یوسف محنت فر* و دکتر سید مجتبی مجاوریان**

نظام مالیاتی دست کم به دو دلیل در فرآیند توسعه اهمیت دارد، اول اینکه در مواقع لازم می‌تواند نقش پس‌انداز را در تأمین هزینه‌های توسعه‌ای داشته باشد. دوم، در راستای تعدیل نابرابری توزیع درآمد که در فرآیند توسعه تقریباً اجتناب‌ناپذیر است، مهم‌ترین ابزار است. هدف این مقاله، ارائه تصویری از نظام مالیاتی در رابطه با تأمین هزینه‌های جاری دولت در اقتصاد است. پس از مقدمه در ارتباط با ساختار مالیاتی کشور، به ترکیب درآمدهای مالیاتی پرداخته شده زیرا هدفهای سیاست مالیاتی در ترکیب نوع مالیاتها که از منابع دریافتی آن شکل می‌گیرد، نقش مهمی دارد. در نوشتار حاضر در مورد ساختار مالیاتی ایران که سهم در خور توجه آن، مالیاتهای غیرمستقیم است و جزء اصلی آن را مالیات بر واردات تشکیل می‌دهد، بحث و بررسی شده است. همچنین برای تأمین مخارج عمومی دولت و اصلاح ساختار مالیاتی کشور، مالیات بر ارزش افزوده که مالیات در گردش خالص فعالیتهای اقتصادی است و مبنای وسیع‌تری دارد پیشنهاد شده است.

واژه‌های کلیدی: مالیاتها، مخارج جاری دولت، تولید ناخالص داخلی، مالیات بر ارزش افزوده.

۱. مقدمه

دخالت دولت در زمینه مسائل اقتصادی و اجتماعی، افزایش روزافزون هزینه‌های عمومی را به دنبال داشته است. به موازات توسعه مداوم مخارج عمومی، دولت ناگزیر شده است به منابع گوناگون متوسل شود که مطمئن‌ترین منبع درآمدی مالیاتها بوده است. البته مالیات یکی از اهرمهای اصلی دولت برای

* دکتری اقتصاد و عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران

** دکتری اقتصاد و عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران

ایجاد تعادل در حرکت جریانهای درآمدی (اثر درآمدی) اجرای سیاستهای دولت با هدف جهت دهی سرمایه‌گذاریها و تولیدات جامعه است که اثر تثبیتی و همچنین گسترش تأمین اجتماعی برای تمامی اقشار جامعه که اثر توزیعی است، می‌باشد. در اقتصاد خصوصی، مخارج در حدود درآمدها تعیین می‌شود. یعنی میزان مخارج یک واحد خصوصی محدود به درآمدهایی است که در اختیار دارد. در چند دهه اخیر این اصل در بودجه بسیاری از کشورهای جهان رعایت شده است زیرا کسری بودجه دولت عواقب بسیار بدی در پی داشته است. به‌رغم توجه به تجربه سایر کشورها متأسفانه در کشور ما به‌طور معمول مخارج دولت بسیار بیشتر از درآمدهایش بوده است. در اقتصاد ایران نسبت درآمدهای مالیاتی به کل درآمدهای دولت طی سالهای ۱۳۸۳-۱۳۶۸ در حدود ۲۸/۱ درصد بوده، ولی کشورهای استرالیا، نسبت درآمدهای مالیاتی به کل درآمدهای دولت به ترتیب برابر با ۹۳، ۹۴، ۶۲ و ۹۱ درصد بوده است. می‌توان نتیجه گرفت که این کشورها از منابع درآمد مالیاتی بالایی برخوردارند و سایر منابع درآمدی یعنی فروش نفت یا منابع دیگر را به عنوان درآمد تلقی نمی‌کنند بلکه آن را سرمایه می‌دانند. این نکته که نسبت درآمدهای مالیاتی به کل درآمدهای دولت طی سالهای ۱۳۶۸-۱۳۸۳ معادل ۲۸/۱ درصد بوده است بدین معنی است که بیشتر درآمدهای کشور، درآمدهای حاصل از انفال مانند فروش نفت یا فعالیت زیرزمینی در اقتصاد کشور است. همچنین شرکتها، مؤسسه‌ها و بنیادهایی که از امکانات عمومی استفاده می‌کنند ولی به دلایل متعدد از پرداخت مالیات معاف‌اند، فشار مالیات را به بخش خصوصی و افراد برخوردار از درآمدهای ثابت و حقوق‌بگیر وارد می‌آورند.

نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی یکی از شاخصهای ارزیابی نظام مالیاتی است. این شاخص به نوعی قدرت تولیدی هر کشور را مشخص می‌کند زیرا رابطه مستقیم بین تولیدات هر کشور و افزایش مالیاتها وجود دارد. به عبارت دیگر هر اندازه نظامهای تولیدی در کشوری قوی‌تر باشد شاخص یادشده بیشتر خواهد بود. به عنوان مثال این نسبت در کشور هلند ۴۳، فرانسه ۳۸، جمهوری چک ۳۷، انگلستان ۳۴ و استرالیا ۲۲ درصد است. اما این نسبت در ایران در حدود شش درصد است و به‌طور متوسط طی سالهای ۱۳۶۸-۱۳۸۳ فقط ۵/۲۶ درصد از محصول ناخالص داخلی را مالیات به خود اختصاص داده است.

بنابراین، هرگونه اصلاح ساختار نظام مالیاتی و درآمدهای مالیاتی دولت، باید همراه با کاهش نرخ رشد هزینه‌های جاری باشد و توجه به هزینه‌های ضروری‌تر و اصلاح ساختار هزینه‌ها، مورد توجه قرار گیرد. به نظر می‌رسد که سیاستهای خصوصی‌سازی و واگذاری شرکتهای دولتی به طور جدی و با اولویت ایجاد زمینه‌های قانونی و اجرایی آن به کار گرفته شود. البته اجرای خصوصی‌سازی، از کسری بیشتر درآمدهای دولت جلوگیری می‌کند و از آن طریق، امکان تأمین درآمدهای مورد نظر و تدوینی بودجه سنواتی به میزان بیشتری فراهم می‌شود.

۲. اهداف دولت در تأمین مالی مخارج جاری

یکی از اهداف مهم دولت در بخش عمومی کشورمان تأمین مالی مخارج جاری از طریق درآمدهای مالیاتی است. این موضوع در طرح سازمان دهی اقتصادی کشور نیز مورد تأکید قرار گرفته است. برای تحقق این هدف، شناسایی عوامل مؤثر بر مخارج دولت اهمیت دارد. در این مقاله با تأکید بر وضع مخارج جاری دولت، عوامل مؤثر بر آن تجزیه و تحلیل شده است. مهم‌ترین متغیرهای توضیحی یا عوامل مؤثر در افزایش سطح هزینه‌های جاری دولت در این مورد تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه، درآمدهای عمومی دولت نظیر درآمدهای نفتی، درآمدهای مالیاتی و عمرانی، میزان بیکاری، میزان تورم و تعداد کارکنان دولت است که در الگوهای اقتصادسنجی به کار گرفته می‌شود. در این مقاله ابتدا اهمیت درآمدهای مالیاتی در تأمین هزینه‌های جاری دولت در طول دوره، مورد بررسی قرار گرفته است. از میان درآمدهای عمومی دولت، هزینه‌های جاری نسبت به درآمدهای مالیاتی حساسیت بیشتری را نشان می‌دهد. بنابراین سیاست تعدیل هزینه‌های جاری با توجه به درآمدهای مالیاتی، امری مطلوب و مفید است^۱. برای افزایش درآمدهای مالیاتی دولت در شرایط کنونی و در راستای تحقق

۱. براساس لایحه بودجه سال ۱۳۸۴، ۴۲ درصد از درآمدهای دولت از طریق مالیاتها تأمین می‌شود. کل درآمدهای دولت ۲۹۵ هزار و ۱۵۷ میلیارد ریال پیش‌بینی شده است که ۱۲۶ هزار و ۷۱۶ میلیارد ریال آن درآمدهای مالیاتی است. مالیات اشخاص حقوقی، مالیات علی‌الحساب اشخاص حقوقی دولتی، مالیات معوقه اشخاص حقوقی دولتی، مالیات نهادها و بنیادهای انقلاب اسلامی، مالیات اشخاص حقوقی غیردولتی و مالیات عملکرد نفت ۵۶ هزار و ۹۸۶ میلیارد ریال پیش‌بینی شده است. در بخش «مالیات بر درآمد» ۱۴ هزار و ۸۴۸ میلیارد ریال درآمد در نظر گرفته شده که ۳ هزار و ۹۸۹ میلیارد ریال مالیات کارکنان بخش عمومی، ۲ هزار و ۸۲۸ میلیارد ریال مالیات کارکنان بخش خصوصی، ۷ هزار و ۲۷۲ میلیارد ریال مالیات مشاغل، ۷۰۷ میلیارد ریال مالیات مستغلات و ۵۰ میلیارد ریال مالیاتهای متفرقه درآمدهاست. همچنین ۷ هزار و ۷۰ میلیارد ریال از مالیاتهای مستقیم مربوط به «مالیات بر ثروت» یعنی مالیات بر ارث،



اهداف برنامه توسعه اقتصادی، با تأکید بر چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور تغییر ساختار نظام کلی مالیاتی جزء اهداف اصلی دولت و مجریان اقتصادی کشور باید در نظر گرفته شود.

۲-۱. تغییر در تشکیلات مالیاتی

راه مناسب‌تر برای افزایش درآمدهای مالیاتی، تغییر دادن تشکیلات مالیاتی است به طوری که از منابع مالیاتی موجود و با همان نرخهای قبلی، مالیات بیشتری دریافت می‌شود. امکان افزایش درآمد از این طریق بسیار زیاد است در حالی که در بیشتر کشورهای کمتر توسعه یافته، چنین سیاستی کمتر دنبال می‌شود. کمبود کارآموزان خوب، نبود مجازاتهای روشن برای فرارهای مالیاتی، فساد و روشهای قدیمی مجریان مالیاتی همراه با فرارهای مالیاتی یکی از مسائل بغرنج کشورهای کمتر توسعه یافته است.

۲-۲. اصلاحات اساسی در نظام مالیاتی

این گونه اصلاحات از نظر اجرایی بسیار دشوار است اما اگر بتوان آن را به کار برد بسیار مؤثر خواهد بود. اصلاحات اساسی نیازمند کنار گذاشتن نظام مالیاتی قدیمی و جایگزینی آن با قوانین و مقررات جدید است. معمولاً دولتها به خاطر مسائل اجرایی با اصلاحات مالیاتی مخالفت می‌کنند مگر در شرایط بحران مالی مانند کسری بودجه شدید. اجرای اصلاحات بنیادی در نظام مالیاتی نیاز به زمان دارد.

۲-۳. مالیات بر فروش و مالیات بر کالاهای داخلی

یک منبع مهم برای درآمدهای اضافی دولت، مالیاتهای غیرمستقیم بر معاملات داخلی مانند مالیات بر فروش و مالیات بر کالاهای داخلی است. مالیات بر فروش شامل مالیات بر ارزش افزوده، پایه‌های

مالیاتهای اتفاقی، مالیات نقل و انتقالات و سرقفلی، مالیات نقل و انتقال سهام، مالیات نقل و انتقال املاک و حق تمبر و اوراق بهادار است. ۱۱ هزار و ۱۱ میلیارد ریال از مالیاتهای پیش‌بینی شده، مالیات بر کالاها و خدمات و به‌عبارت دیگر مالیات بر فروش فرآورده‌های نفتی، مالیات موضوع قانون تجمیع عوارض و عوارض خروج مسافر از مرزهای کشور است. مجموع مالیاتهای غیرمستقیم (مالیات بر واردات) پیش‌بینی شده در بودجه سال ۱۳۸۴ نیز ۳۶ هزار و ۷۰۰ میلیارد ریال است که در لایحه بودجه ۳۰ هزار و ۴۰۰ میلیارد ریال آن حقوق ورودی سایر کالاها و ۶ هزار و ۳۰۰ میلیارد ریال حقوق ورودی دستگاههای اجرایی عنوان شده است. همچنین در این گزارش عنوان شده که میزان مالیاتهای پیش‌بینی شده در لایحه بودجه سال ۱۳۸۴، ۸/۰۴ درصد کل بودجه کشور است.

ارزیابی اثر اقتصادی درآمدهای مالیاتی بر میزان مخارج ... ۸۱

وسیعی از مالیات بر مصرف است که بر همه تولیدات به جز مواردی خاص مانند مواد غذایی، مواد اولیه کشاورزی و دارو وضع می‌شود. مالیات بر کالاهای داخلی نوعی مالیات بر مصرف است که بر اقلام خاصی مانند کالاهای مضر (مثل دخانیات) و فرآورده‌های نفتی وضع می‌شود. در اوایل دهه ۱۹۸۰ بیش از ۲۰ درصد درآمد ۱۳ کشور کمتر توسعه یافته به مالیات عمومی بر فروش متکی بود و در ۱۴ کشور، مالیات بر کالاهای داخلی بیش از ۱/۵ درصد درآمدها را تشکیل می‌داد.

تقریباً هر کشور در حال توسعه نوعی از مالیات بر فروش وضع می‌کند، اما اغلب مالیات بر خرده‌فروشی وضع نمی‌شود زیرا تشکیلات اجرایی سنگینی برای اخذ مالیات از هزاران خرده‌فروش کوچک لازم است. مالیات بر فروش تولیدکننده از نظر اجرایی بسیار آسان‌تر است زیرا تعداد کمی از شرکتهای درگیر می‌شوند و محصولات تولیدکنندگان نسبت به خرده‌فروشان و عمده‌فروشان هماهنگ‌تر است. به همین دلیل بسیاری از کشورهای کمتر توسعه یافته از مالیات بر فروش یک مرحله‌ای یا مالیات بر ارزش افزوده تولیدکنندگان استفاده می‌کنند و معمولاً تعداد بسیار کمی از تولیدکنندگان را معاف می‌کنند. اما این نوع مالیات بر فروش موجب انحراف بیشتر اقتصاد نسبت به مالیات بر عمده‌فروشی و خرده‌فروشی می‌شود. از این رو به خاطر افزایش درآمد، روز به روز بر تعداد کشورهای کمتر توسعه یافته که به سمت مالیات در سطوح خرده‌فروشی روی می‌آورند افزوده می‌شود. بیش از ۶۰ کشور که شامل تمامی اعضای اتحادیه اروپا می‌شود، مالیات بر ارزش افزوده را در سطح خرده‌فروشی به کار می‌برند. تقریباً تمامی کشورهای صنعتی و در حال توسعه، مالیات بر ارزش افزوده را به این دلیل به کار می‌برند که آن را به سطح خرده‌فروشی گسترش دهند. مالیات بر ارزش افزوده‌ای که سطح خرده‌فروشی را پوشش دهد نوعی مالیات است که بیشتر کشورها به کار می‌برند و دارای پایه مالیاتی وسیعی است که می‌تواند منبع درآمد بزرگی برای دولت باشد.

مالیات بر کالاهای داخلی می‌تواند به‌عنوان منبعی ایده‌آل برای کسب درآمد اضافی توسط دولت باشد، در این نوع مالیات، کارایی بسیار بالاست و به‌عبارت دیگر بار اضافی خیلی کم است. مثال افزایش شدید مصرف بنزین و همزمان با آن افزایش میزان یارانه پرداختی دولت طی سالهای اخیر باعث شده که بخش وسیعی از منابع ارزی کشور حدود ۵/۷ میلیارد دلار صرف خرید این کالا شود. دولت باید در راستای هدفمند کردن میزان یارانه‌های پرداختی به‌ویژه یارانه بنزین گام اساسی برداشته و برای آن مالیات بر فروش وضع کند تا بتواند از این طریق درآمد مالیاتی خود را طی سالهای آینده افزایش دهد. در این خصوص می‌توان به میزان مالیات بنزین در کشورهای مختلف اشاره کرد. با وضع مالیات، قیمت هر لیتر بنزین در کشورهای بزرگ و صنعتی به دلیل اعمال مالیات بر قیمت تمام شده، از

سایر کشورها به ویژه کشورهای نفتی مانند ایران بسیار بیشتر است. در برخی از کشورهای صنعتی مانند کانادا و ایالات متحده آمریکا این تفاوت قیمت کمتر است ولی در سایر کشورهای صنعتی، مالیات سنگینی بر بنزین اعمال می‌شود. با توجه به قیمت یارانه‌ای هر لیتر بنزین در ایران که هم اکنون معادل هزار ریال است و با توجه به ارزش ریالی دلار با احتساب هر دلار آمریکا معادل ۹۲۵۰ ریال، مشاهده می‌شود که قیمت تمام شده بنزین در ایران حتی از متوسط قیمت بدون مالیات کشورهای صنعتی نیز کمتر است. جالب آنکه در صورت احتساب مالیات بر قیمت بنزین، این تفاوت بسیار چشمگیرتر می‌شود. قیمت جهانی هر لیتر بنزین در ماه سپتامبر سال ۲۰۰۴ به طور متوسط حدود ۱/۰۲۵ دلار بیش از قیمت هر لیتر بنزین در کشورمان بوده است. لازم به یادآوری است، اتخاذ سیاست وضع مالیات بر قیمت بنزین، خود سبب افزایش درآمد دولت می‌شود. در مقابل، اعطای بنزین یارانه‌ای، درآمد دولت را به شدت کاهش می‌دهد. این وضع، علاوه بر ایجاد بار سنگینی بر دوش دولت، موجب صرفه‌جویی نکردن در مصرف بنزین، تقاضای بیش از اندازه انواع خودرو، افزایش ترافیک و تصادفات درون شهری و برون شهری، آلودگی محیط زیست و افزایش بیماریهای حاصل از آلودگی صوتی خواهد شد.

جدول شماره ۱. مقایسه تفاوت قیمت بنزین کشورهای صنعتی و ایران

کشور	قیمت بدون مالیات	تفاوت با ایران	قیمت با مالیات	تفاوت با ایران
فرانسه	۰/۳۷۹	۰/۲۵۸	۱/۳۱۴	۱/۲۲۰
آلمان	۰/۴۳۲	۰/۳۳۸	۱/۴۲۹	۱/۳۳۵
ایتالیا	۰/۴۹۴	۰/۴۰۰	۱/۴۱۳	۱/۳۱۹
اسپانیا	۰/۴۶۰	۰/۳۶۶	۱/۰۹۵	۱/۰۰۱
انگلستان	۰/۳۹۸	۰/۳۰۴	۱/۴۳۲	۱/۳۳۸
ژاپن	۰/۵۹۲	۰/۴۹۸	۱/۱۳۶	۱/۰۴۲
کانادا	۰/۴۰۵	۰/۳۱۸	۰/۶۴۳	۱/۵۴۹
ایالات متحده آمریکا	۰/۳۸۸	۰/۲۹۴	۰/۴۹۱	۰/۳۹۷
متوسط قیمت جهانی بنزین	۰/۴۴۴	۰/۳۵۰	۱/۱۱۹	۱/۰۵۲

مأخذ: Energy Information Administration، ۲۰۰۴.

نکته: قیمت هر لیتر بنزین در ایران بدون مالیات ۰/۰۹۴ دلار یا (۹/۴ سنت) و قیمت دلار آمریکا معادل ۸۵۱۰ ریال در نظر گرفته شده است. ارقام جدول بر اساس قیمت‌های سپتامبر سال ۲۰۰۴ هستند.

۳. مروری بر پیشینه موضوع

۳-۱. از دیدگاه نظری

اولین بررسی انجام شده در مورد رشد هزینه‌های دولت مربوط به آدلف واگنر^۱ (۱۸۳۵-۱۹۱۷) اقتصاددان سیاسی آلمان است. واگنر متوجه شد که با فرآیند صنعتی شدن نظام اقتصادی و پیچیده شدن عملکرد عوامل تشکیل دهنده بازار، گسترش شهرنشینی، افزایش جمعیت در مناطق شهری، وجود قراردادها و قوانین تجاری و در نتیجه تشکیلات اداری و قضایی برای رسیدگی و نظارت به موارد یادشده ضرورت یافته است. بنابراین دخالت دولت در مسائل اقتصادی لازم و همین امر موجب افزایش رشد هزینه‌های دولت شده است. در این تحلیل علت اصلی رشد مخارج دولت، تبدیل جامعه از حالت سنتی به صنعتی است. در این زمینه متغیرهایی مانند نیروی کار استخدام شده در بخش صنعت، نسبت مشارکت زنان در بازار کار، رشد جمعیت و هرم سنی آن و درجه شهرنشینی، معیارهای ارزیابی قانون واگنر هستند به عبارت دیگر بر اساس تجزیه و تحلیل یادشده، رابطه بین مخارج دولت و متغیرهای یادشده مثبت است.

از نظر واگنر خدماتی مانند تعلیم و تربیت، فرهنگ و بهداشت و رفاه از "کشش درآمدی" بالایی برخوردار است. با رشد درآمد سرانه در اقتصاد، اندازه نسبی بخش عمومی نیز افزایش می‌یابد به عبارت دیگر با افزایش تولید ناخالص ملی، مخارج عمومی مربوط به این خدمات به نسبت بیشتری افزایش می‌یابد که وی این موضوع را در چند کشور اروپایی، آمریکایی و ژاپن را بررسی کرده است.

ماسگریو^۲ (۱۹۶۹) مانند واگنر بر نقش متغیر دولت در فرآیند توسعه اقتصادی تأکید داشت. او برخلاف واگنر، درآمد سرانه را ملاک توسعه اقتصادی می‌داند. به نظر ماسگریو در مراحل توسعه اقتصادی، ترکیب مخارج دولتی (سرمایه‌ای، مصرفی و انتقالی) از نظر نوع هزینه تفاوت می‌کند. او با طبقه‌بندی مخارج دولتی در سه گروه مخارج مصرفی، مخارج سرمایه‌گذاری و مخارج انتقالی معتقد است نیروهایی که باعث صنعتی شدن یا توسعه اقتصاد می‌شوند، ممکن است موجب گسترش یا تجدید این مخارج شوند. ماسگریو تغییرات عوامل اقتصادی، دموکراسی، فن‌آوری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را از عوامل مؤثر بر افزایش هزینه‌های دولتی بیان می‌کند.

1. Adolphe Wagner
2. Musgrave

نظریه پیکاک وایزمن^۱ (۱۹۶۱) به "نظریه چرخ دنده‌ای رشد مخارج دولت"^۲ معروف است. در این نظریه، فرض بر این است که شرایط بحرانی زودگذر، باعث افزایش مخارج دولت می‌شود و این مخارج در سطحی بالاتر از سطح مخارج قبل از بحران باقی می‌ماند. بر اساس نظریه بامول^۳ که به الگوی اسکاندیناوی تورم معروف است و بامول آن را یک نوع بیماری تلقی می‌کند، بهره‌وری در بخش دولتی به مراتب کمتر از بخش خصوصی است. در حالی که افزایش دستمزد در بخش دولتی و خصوصی، شبیه به هم است و همین امر باعث افزایش قیمت کالاها و خدمات دولتی می‌شود و در نتیجه سهم اسمی مخارج دولتی در کل تولید ناخالص ملی افزایش می‌یابد.

۲-۳. از دیدگاه تجربی

الف- بررسی تحقیقات انجام شده درباره درآمدهای مالیاتی و هزینه‌های جاری دولت در ایران
ابتدا لازم است به صورت خلاصه به بررسی تاریخی دخالت دولت در اقتصاد ایران پرداخته شود. دخالت دولت در اقتصاد از نظر قدمت تاریخی به زمان مرکانلیست‌ها بر می‌گردد هر چند از اواخر قرن ۱۹ میلادی در جوامع غربی، مسئله دخالت دولت و دولت مجری به علت ناتوانی نظام بازار، به ویژه در ارتباط با سرمایه‌گذاری زیربنایی و تأمین اجتماعی، بیشتر مطرح شده است. در قرن بیستم نظریات کینز باعث شد که مسئله دخالت دولت در اقتصاد بیشتر قوت بگیرد.

در این مقاله به وظایف اقتصادی دولت یعنی تثبیت، توزیع و تخصیص اشاره شده است. همچنین به مفهوم "توهم بودجه‌ای" اشاره شده که از علل افزایش حجم فعالیت‌های دولت است. به عبارت دیگر حجم فعالیت‌های دولت با توسل به توهم بودجه‌ای، از سال ۱۳۶۲ شدت گرفته و از سال ۱۳۶۸ ابعاد بی‌سابقه‌ای یافته است. البته در سالهای اجرای برنامه دوم و سوم توسعه اقتصادی کشور هم ادامه پیدا کرده است. از موارد توهم بودجه‌ای به مبلغ اضافی دریافتی بابت فروش ارز برای تأمین کسری بودجه به‌ویژه در سال ۱۳۷۷ و تزریق ۵/۵ میلیارد ریال از حساب ذخیره ارزی برای جبران کسری بودجه سال ۱۳۸۲ می‌توان اشاره کرد که در واقع نوعی مالیات غیرمستقیم است ولی در

-
1. Peacock and Wiseman
 2. The Ratchet Theory of Government Growth
 3. William Baumol

ارزیابی اثر اقتصادی درآمدهای مالیاتی بر میزان مخارج ... ۸۵

فهرست مالیاتها منظور نمی‌شود. در واقع حجم مالیاتهای غیرمستقیم به مراتب بیش از ارقام یادشده در منابع و اسناد رسمی است.

دوره زمانی تحقیق تقوی و صنیع دانش (۱۳۷۵) از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۰ است. محققان در این تحقیق سعی کرده‌اند دلایل نوسان حجم فعالیتهای دولت در اقتصاد ایران را بیان کنند. فرضیه اصلی آن است که نوسان درآمد نفت در اقتصاد ایران، نوسان بودجه عمومی دولت و اجزای آن را در دوره ۱۳۷۰-۱۳۵۰ توضیح می‌دهد. در این تحقیق شاخصهای مناسبی برای سنجش اندازه دولت بررسی شده که مناسب‌ترین آنها، نسبت هزینه‌های عمومی (بودجه عمومی) به تولید ناخالص داخلی است.

در تحقیق بدرخش (۱۳۷۶)، دوره زمانی از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۶۷ است. پژوهشگر سعی کرده تأثیرات مخارج مصرفی و سرمایه‌گذاری را بر مخارج دولت در سالهای یادشده به صورت سری زمانی بررسی کند. هدف اصلی تحقیق آن بوده که نوسان درآمد نفت و گاز در دوره یاد شده، درآمد مالیاتی در طول دوره، مخارج مصرفی عمومی دولت و مخارج مصرفی عمومی دولت در دوره قبلی را بررسی کند. نتیجه اصلی تحقیق آن است که نوسانات درآمدهای نفتی، بودجه عمومی دولت را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد اما چون درآمدهای حاصل از صدور نفت و گاز تابع شرایط بین‌المللی است که از حیطه کنترل دولت خارج است و دولت نمی‌تواند به طور کامل در مورد این متغیرها سیاستگذاری کند، برای کاهش بار مالی خود، لازم است سیاستگذاری مناسب را با اتکا به درآمدهای غیرنفتی - مثل مالیاتها - انجام دهد.

نجاری (۱۳۷۶) سعی کرده مهم‌ترین متغیرهای توضیحی یا عوامل مؤثر بر افزایش سطح هزینه‌های جاری دولت را بررسی کند و به این منظور از متغیرهایی مثل تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه، درآمدهای نفتی، درآمدهای مالیاتی، سایر درآمدهای دولت، نرخ بیکاری، نرخ تورم، تعداد دانش‌آموزان در مقاطع مختلف تحصیلی و همچنین از متغیرهای دیگری نظیر شرایط بحرانی، جنگ و تکانه نفتی به صورت الگوهای اقتصادسنجی به روش حداقل مربعات معمولی (OLS) استفاده کرده است. دوره زمانی این تحقیق از سال ۱۳۳۸ تا ۱۳۷۳ است.

صامتی (۱۳۷۲) در تحقیق خود، به فعالیتهای اقتصادی دولت از سه بُعد توجه کرده است، بودجه عمومی دولت، بودجه شرکتهای دولتی و قانونگذاری. با توجه به اینکه سه وظیفه تخصیص بهینه منابع، توزیع عادلانه ثروتها و تثبیت فعالیتهای اقتصادی در نظر گرفته شده است، همچنین اثر فعالیتهای اقتصادی دولت هم از دیدگاه متغیرهای کلان و هم از دیدگاه متغیرهای اقتصادی خرد مورد بررسی

قرار گرفته است، بنابراین متغیرهای بهره‌وری و بازدهی نسبت به مقیاس عوامل تولید به منظور تشریح تخصیص بهینه منابع، از متغیرهای اقتصاد خرد و رشد حقیقی تولید ناخالص داخلی به منظور تشریح تثبیت فعالیتهای اقتصادی از متغیرهای اقتصاد کلان انتخاب شده است و تأثیر هر کدام از ابعاد فعالیتهای اقتصادی دولت بر این گونه متغیرها ارزیابی شده است. نخست، نتیجه ارزیابی اندازه موجود فعالیتهای اقتصادی دولت نشان می‌دهد که در مجموع، اندازه فعالیتهای اقتصادی دولت با توجه به اهداف یادشده نامتناسب است. سپس با توجه به این نتیجه، به منظور شناسایی نقاط مثبت و منفی فعالیتهای اقتصادی دولت، هر کدام از اجزای بودجه عمومی دولت و بودجه شرکتهای دولتی ارزیابی شده است.

ب- بررسی تحقیقات انجام شده درباره مالیاتها و هزینه‌های جاری دولت در سایر کشورها
این مطالعات اغلب به صورت مقطعی بین کشورهای مختلف بوده است. در این تحقیقات سعی شده عوامل مؤثر بر مالیاتها و ارتباط آن با هزینه‌های جاری دولت در کشورهای مختلف به‌ویژه کشورهای در حال توسعه بررسی شود.

فومن زیمنس^۱ در سال ۱۸۸۱ مالیات بر ارزش افزوده را به منظور چیره شدن بر مسائل مالی حاصل از جنگ، طرح‌ریزی و به دولت آلمان معرفی کرد. با توجه به اظهار علاقه و تمایل کشورهای دیگر در مورد آگاهی از چگونگی ساختار این مالیات، به طور رسمی تا سال ۱۹۵۴ در هیچ کشوری به کار گرفته نشد. در سال ۱۹۵۴، کشور فرانسه مالیات بر ارزش افزوده را به صورت مالیات بر کالاهای مصرفی در مرحله تولید به کار گرفت.

رتی رم^۲ (۱۹۸۷) با به کارگیری داده‌های سری زمانی و برش مقطعی ۱۱۵ کشور در فاصله سالهای ۱۹۸۰-۱۹۵۰ و ۱۹۸۰-۱۹۶۰ و با تقسیم‌بندی کشورها، سعی در آزمون قانون واگنر داشت. نتیجه برآوردهای رتی رم نشان داد که در داده‌های سری زمانی، علامت و همبستگی بین درآمد و مخارج دولتی در بین کشورهای مختلف دنیا با هم متفاوت است و فرضیه واگنر در ۶۰ درصد از کشورهای تحت بررسی تأیید و در ۴۰ درصد دیگر رد می‌شود. نتایج داده‌های برش مقطعی، فرضیه

1. Foman Simenc
2. R. Rem

ارزیابی اثر اقتصادی درآمدهای مالیاتی بر میزان مخارج ... ۸۷

واگنر را رد کرد و نشان داد که کشش سهم مخارج دولتی، نسبت به درآمد سرانه منفی است و این مقدار منفی در کل ۱۱۵ کشور از نظر آماری معنی دار است.

از بررسی سهراب عبیرزاده و محمود یوسفی (۱۹۸۸)، در مورد عوامل مؤثر بر افزایش مخارج دولت کانادا این نتایج حاصل شده است: ارتباط و همبستگی شدیدی بین درجه باز بودن اقتصاد و نسبت مخارج دولتی به تولید ناخالص ملی وجود دارد. ارتباط و همبستگی مثبتی بین نرخ تکفل و نسبت مخارج دولتی به تولید ناخالص ملی وجود دارد. رابطه بین نرخ بیکاری با وقفه زمانی و مخارج دولتی مثبت است و نرخ بیکاری بیان کننده مشکل اقتصادی است، بین درصد افراد لیبرال به عنوان شاخص عامل سیاسی (P.F.I)^۱ و مخارج دولتی ارتباط مثبتی وجود دارد، درآمد ملی با تأخیر زمانی و مخارج دولتی، ارتباط مثبت و معنی داری دارند و ضریب $\text{Log}Y_{t-1}$ بیان کننده کشش درآمدی تقاضا برای کالاها و خدمات دولتی است. بین درصد افراد شاغل در بخش دولتی و مخارج دولتی ارتباط مثبت و معنی داری وجود دارد و از متغیر LEGR ^۲ (رابطه نیروی کار و اشتغال به وسیله دولت) به عنوان متغیر نماینده برای درجه بوروکراسی استفاده می شود.

دیوید لیندائر و آن ولنچیک^۳ (۱۹۹۲) به بررسی نظری و تجربی موضوع "مخارج دولتی در کشورهای در حال توسعه شامل فرآیند، علتهای و پیامدها" پرداختند و مخارج دولتی در کشورهای در حال توسعه و کشورهای صنعتی (ملاک مقایسه، سهم مخارج دولتی در تولید ناخالص داخلی است) و علل رشد مخارج دولتی و تأثیر افزایش این مخارج بر روی رشد اقتصادی را بررسی کردند. با توجه به بررسی تجربی بین کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی و کشورهای در حال توسعه، این دو محقق بیان کردند که سهم مخارج دولتی در تولید ناخالص ملی در کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی در فاصله سالهای ۱۹۸۵-۱۸۸۰ به طور مرتب افزایش یافته و در هر مقطع زمانی سهم مخارج این کشورها، در مقایسه با سهم مخارج کشورهای در حال توسعه بیشتر است. آنها در مقاله خود اظهار کرده بودند، تشریح علل رشد دولتها یک سنت دیرینه است و به هر حال از زمان آدلف واگنر تاکنون ادامه یافته است. همچنین چهار رهیافت را برای یافتن علل رشد بخش دولتی، با عناوین حسابداری هزینه، مباحث طرف تقاضا، مباحث طرف عرضه و نظریه پردازی توسعه، یادآوری

1. Political Factor Index

2. Ratio of Labor Force Employed by Government to Total Labor Force

3. D. Lindauer and Ann Velenchik

کرده بودند. دیدگاههای متفاوتی در مورد ارتباط بین مخارج دولتی و رشد اقتصادی در این مقاله ذکر شده است.

گولد^۱ (۱۹۸۵)، ساندرز^۲ (۱۹۸۵) و اسمیت^۳ (۱۹۸۱) به یک همبستگی تقریباً مثبت بین مخارج دولتی و رشد اقتصادی رسیده بودند. لاند^۴ مشاهده کرد که مصرف عمومی دولت (مخارج جاری) روی رشد اقتصادی تأثیر منفی و بارزی بر جای می‌گذارد. همچنین مطالعات انجام شده توسط بارو^۵ ارتباط منفی بین هزینه‌های مصرفی دولتی و متوسط رشد سالیانه محصول ناخالص داخلی را نشان داد. (به جز مورد آموزش و پرورش و دفاع).

در مقابل تحقیقات یادشده، تحقیقاتی وجود دارد که رشد درآمد سرانه را با رشد مخارج دولتی مرتبط می‌داند. رتی رم^۶ این همبستگی را با به‌کارگیری یک روش دقیق‌تر، مورد آزمون قرار داد. او یک معادله رشد را استخراج کرد که در آن ستانده بخش عمومی به عنوان داده در عملیات تولیدی بخش خصوصی در نظر گرفته می‌شود، در معادله رشد اقتصادی رتی رم رشد درآمد سرانه تابع سرمایه‌گذاری، رشد جمعیت و رشد مخارج دولتی در نظر گرفته شده است.

مینه کوانگ دنو^۷ (۱۹۹۵) به بررسی عوامل تعیین‌کننده مخارج دولتی با توجه به اطلاعات برش مقطعی در ۱۰۵ کشور جهان پرداخت او مدل خود را برای پنج نوع از خدمات عمومی، یعنی هزینه‌های دفاعی، هزینه‌های آموزش و پرورش، هزینه‌های رفاه تأمین اجتماعی، هزینه‌های مسکن و هزینه‌های بهداشت برآورد کرد.

شم بت^۸ (۱۹۹۱) در مورد کشور هند با ارائه دو مدل مجزا به بررسی عوامل مؤثر بر افزایش هزینه‌های دولتی و عوامل تعیین‌کننده درآمدهای مالیاتی کشور هند پرداخته است که مدل مربوط به درآمدهای مالیاتی از موضوع حاضر خارج است. شم بت در مقدمه مقاله خود به نقش دولت از دیدگاه کلاسیکها اشاره کرده است. بر اساس این دیدگاه، فعالیتهای دولت به زمینه‌های عدالت، ایجاد امنیت داخلی و حفظ مرزها از تجاوز کشورهای بیگانه محدود می‌شود. با توجه به این محدودیت

-
1. Gould
 2. Saunders
 3. Smith
 4. D. Landau
 5. Barro
 6. Ram
 7. Dao Minh Quang
 8. Sham Bhat

ارزیابی اثر اقتصادی درآمدهای مالیاتی بر میزان مخارج ... ۸۹

ضرورتی به منابع درآمدی متنوع برای تأمین هزینه‌های عمومی احساس نمی‌شود و مهم‌ترین منبع تأمین مالی دولت، درآمدهای مالیاتی است. درآمد سرانه، نرخ با سواد، درجه شهرنشینی، تراکم جمعیت و متغیر مجازی (عدد یک برای دوره‌ای که کشور توسط حزب کنگره اداره می‌شود و عدد صفر برای دوره‌ای که کشور توسط حزب کنگره اداره نمی‌شود) از متغیرهای این تحقیق می‌باشد. چنین نتیجه گرفته شد که هم متغیرهای اقتصادی - اجتماعی و هم عوامل سیاسی در افزایش هزینه‌های دولتی مؤثرند، پیش از سال ۱۹۷۵ میلادی، حزب کنگره هند قدرت انحصاری در اداره کشور بود و بر اصول اقتصادی به منظور افزایش هزینه‌های دولتی تأکید داشت اما پس از سال ۱۹۷۵ میلادی به دلیل رقابت بین طرفداران حزب کنگره و سایر احزاب برای موفقیت در انتخابات، اصول مخارج دولتی از اصول اقتصادی به اصول سیاسی تغییر کرد. همچنین نشان داده شد که درجه باز بودن اقتصاد و نرخ بیکاری، ارتباط مثبت و معنی‌داری با اندازه مخارج دولتی دارد.

کوزنتز^۱ (۱۹۷۱) بیان کرد که مخارج دولتی در کشورهای در حال توسعه در حد چشم‌گیری افزایش یافته است. از ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۶ سال با درآمدهای متوسط رو به پایین، نرخ افزایش مخارج دولتی به عنوان سهمی از محصول ناخالص ملی به طور متوسط در سطح ۱۲ درصد باقی مانده است. برای کشورهای با درآمد پایین و متوسط رو به بالا، افزایش مخارج دولتی به طور چشم‌گیری کمتر بوده است. با وجود آنکه مصرف دولتی محدودتر شده، مخارج دولتی در کشورهای در حال توسعه از سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۸۶ رشد کرده، ولی به اندازه کشورهای صنعتی، اقتصاد مبتنی بر بازار وجود نداشته است. کشورهای در حال توسعه، نسبت به کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی به طور متوسط درصد کمتری از محصول ناخالص داخلی را به پرداخت‌های دولتی اختصاص می‌دهند. به نظر می‌رسد که این موضوع در مورد کشورهای با درآمد پایین و متوسط متفاوت است. در سال ۱۹۸۶، دامنه مخارج دولت مرکزی به عنوان سهمی از محصول ناخالص ملی ۷ تا ۷۲ درصد بوده و مصرف دولتی به عنوان سهمی از محصول ناخالص داخلی ۷ تا ۴۵ درصد شده است. این تغییرات در کشورهای صنعتی بیشتر مشاهده می‌شود.

1. Kuznets

۳-۳. روش تحقیق

در این مقاله اطلاعات و آمارهای مورد نیاز از سالنامه‌های آماری سالهای مختلف که بانک مرکزی منتشر کرده توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و معاونت آمارهای اقتصادی وزارت اقتصاد و دارایی به صورت سری زمانی مورد استفاده قرار گرفته است. با توجه به روشهای آماری و تحلیل الگوهای اقتصادسنجی و تعریف آن تمامی الگوهای مورد نظر پردازش شده است.

۴. جمع‌آوری، ساماندهی و تعریف اطلاعات

در این مقاله متغیرهای مورد استفاده در الگوهای اقتصادسنجی، به طور دقیق تعریف می‌شود تا دایره شمول متغیرها، دقیق و مشخص شود. در تعریف متغیرها از تعاریف صاحب‌نظران و اقتصاددانان استفاده شده است و سپس با الهام از آن تعاریف، متناسب با موضوع تحقیق و منطبق با واقعیتهای کشور، شاخص و متغیر مربوط انتخاب شده است.

با توجه به اینکه در هر مدل اقتصادسنجی، متغیرهای موجود در مدل به دو دسته متغیرهای مستقل و متغیرهای وابسته تقسیم می‌شوند. در مدل‌های اقتصادسنجی در مورد درآمدهای مالیاتی دولت نیز چنین موضوعی معمول است که در این قسمت به تشریح متغیرها و نحوه محاسبه آنها می‌پردازیم. درآمدهای مالیاتی دولت که به عنوان متغیر وابسته در الگوهای اقتصادسنجی ظاهر می‌شود دارای تعاریف متعددی است که در هر یک از متون اقتصادی به تعریف خاصی اشاره شده است. در زمینه تجربی یا برآورد الگوهای اقتصادسنجی از آمار و اطلاعات درآمدهای مالیاتی دولت بر حسب آمارها و اطلاعات مندرج در مجموعه اطلاعاتی (سری زمانی آمار حسابهای پولی و مالی در حسابهای ملی ایران - بانک مرکزی، ۱۳۸۴) استفاده شده است. در جدول شماره (۲) میزان سهم مالیاتها و مخارج جاری دولت نسبت به تولید ناخالص داخلی مشخص شده است، همچنین سهم درآمدهای مالیاتی نسبت به مخارج جاری دولت به‌عنوان یک شاخص بسیار مهم برای بررسی وضعیت فعالیتهای مالی دولت عنوان شده است.

جدول شماره ۲. بررسی درآمدهای مالیاتی، نفتی، تولید ملی، مخارج جاری و عمرانی دولت طی سالهای ۱۳۸۳-۱۳۵۷ (میلیارد ریال)

سال	درآمدهای مالیاتی (T)	درآمدهای نفتی (OR)	تولید ملی (GDP _p)	مخارج جاری دولت (G ₁)	مخارج عمرانی (G ₂)
۱۳۵۷	۴۶۵/۹	۱۰۱۳/۲	۲۱۹۱۹۱	۱۳۸۷/۱	۶۵۷/۱
۱۳۵۸	۳۶۸/۳	۱۲۱۹/۷	۲۰۹۹۱۹	۱۴۹۴/۹	۵۲۳/۳
۱۳۵۹	۳۴۰/۴	۸۸۸/۸	۱۷۸۱۴۹	۱۶۸۱/۲	۵۶۸/۱
۱۳۶۰	۵۵۴/۱	۱۰۵۶/۴	۱۷۰۲۸۱	۲۰۳۲/۴	۶۷۴/۷
۱۳۶۱	۶۱۳/۹	۱۶۸۹/۵	۱۹۱۶۶۷	۲۲۵۱/۵	۹۱۴/۸
۱۳۶۲	۷۹۶/۵	۱۷۷۹/۴	۲۱۲۸۷۶	۲۵۲۳/۱	۱۱۴۸/۵
۱۳۶۳	۸۹۸/۷	۱۳۷۳/۲	۲۰۸۵۱۶	۲۴۷۵/۶	۸۷۸
۱۳۶۴	۱۰۳۳/۷	۱۱۸۸/۷	۲۱۲۶۸۶	۲۵۷۱/۹	۷۷۸/۸
۱۳۶۵	۱۰۲۴/۶	۴۱۶/۸	۱۹۳۲۳۵	۲۴۱۰/۳	۷۴۶/۵
۱۳۶۶	۱۰۳۰/۲	۷۶۶/۲	۱۹۱۳۱۲	۲۹۱۱/۴	۷۲۹/۲
۱۳۶۷	۹۸۶/۵	۶۶۷/۹	۱۸۰۸۲۳	۳۳۹۴/۲	۸۱۶/۴
۱۳۶۸	۱۱۸۷/۹	۷۷۰/۸	۱۹۱۵۰۳	۳۳۸۵/۲	۹۳۱/۵
۱۳۶۹	۱۶۹۵	۱۱۱۸/۳	۲۱۸۵۳۹	۴۲۸۴/۸	۱۷۶۶/۳
۱۳۷۰	۲۷۶۵	۱۰۳۸/۷	۲۴۵۰۳۶	۵۵۸۴	۲۵۳۷/۹
۱۳۷۱	۳۷۷۳/۴	۵۱۴۱/۳	۲۵۴۸۲۳	۷۷۸۳/۶	۳۱۹۲/۸
۱۳۷۲	۴۰۶۱/۳	۱۴۶۸۳/۲	۲۵۸۶۰۱	۱۳۶۵۵	۷۲۳۲
۱۳۷۳	۵۴۹۱	۲۱۴۸۰	۲۵۹۸۷۶	۲۰۰۱۰	۹۵۸۳/۷
۱۳۷۴	۷۳۱۳	۲۹۴۳۱	۲۶۷۵۳۴	۲۸۷۸۹/۳	۱۳۱۷۲/۷
۱۳۷۵	۱۲۵۶۰	۳۸۱۵۳	۲۸۳۸۰۷	۳۷۸۰۴	۲۰۰۷۳/۵
۱۳۷۶	۱۷۳۴۴/۶	۳۶۴۴۶/۶	۲۹۱۷۶۹	۴۴۹۶۷	۲۰۴۷۱
۱۳۷۷	۱۸۶۸۶/۶	۲۸۱۹۰	۳۰۰۱۴۰	۵۳۵۴۵/۷	۱۷۴۲۴/۷
۱۳۷۸	۲۵۸۳۱/۴	۴۴۴۸۷/۶	۳۰۴۹۴۱	۶۸۲۱۹/۳	۲۵۰۲۳/۶
۱۳۷۹	۳۲۸۴۲	۵۹۴۴۹	۳۲۰۰۶۹	۸۲۶۰۵/۸	۲۵۷۱۰/۲
۱۳۸۰	۴۵۳۸۸/۶	۶۹۸۰۸/۴	۳۳۰۵۶۵	۱۰۰۹۱۸/۲	۲۷۹۴۱/۴
۱۳۸۱	۵۰۶۰۲	۱۰۱۳۷۴/۴	۳۵۵۳۵۰	۱۴۸۲۸۹	۳۷۲۱۲/۵
۱۳۸۲	۶۵۰۹۹	۱۲۸۱۵۳/۹	۳۷۹۰۱۰	۱۷۸۲۵۵/۲	۶۰۹۸۲/۹
۱۳۸۳	۸۴۴۲۱/۱	۱۵۰۴۱۳/۳	۳۹۷۳۰۴	۲۳۱۹۲۳/۱	۶۳۹۳۰/۱

در کشورهای نفت خیز یا صادر کننده نفت، به ویژه ایران به دلیل اینکه تمامی تولیدات مستقیم و غیرمستقیم به نفت وابسته است، سهم نفت در تولید ناخالص داخلی بالاست و نسبت به کشورهای دیگر سهم مالیات نسبت به تولید ملی کمتر است و این مسئله به بزرگتر شدن حجم و ابعاد دولت کمک کرده است. این امر باعث شده که درآمدهای مالیاتی دولت آن چنان که ضرورت دارد زیاد نباشد و از سویی مشکلات حاصل از معافیت‌های مالیاتی و وجود بخش عظیم اقتصاد زیرزمینی در کشورمان به نوعی باعث کاهش شدید درآمدهای مالیاتی دولت شده است. بالا بودن نسبت کل درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی، نشان دهنده کارایی نظام مالیاتی یک کشور است. این رقم در اقتصاد ایران همواره در سطحی پایین قرار داشته و نه فقط هیچ گاه از ۱۰ درصد فراتر نرفته بلکه در بیشتر مواقع سیر نزولی نیز داشته است.

جدول شماره ۳. بررسی سهم مالیات از مخارج و تولید ملی طی سالهای ۱۳۵۷-۱۳۸۳

(میلیارد ریال)

سال	نسبت مالیات به مخارج جاری دولت (T/G_1)	نسبت مالیات‌ها به کل مخارج (T/G_1+G_2)	نسبت مالیات‌ها به تولید ملی (T/GDP)	نسبت مالیات‌ها به درآمد نفتی (T/OR)
۱۳۵۷	۰/۳۳۵۸۸۱	۰/۲۲۷۹۱۳	۰/۰۰۲۱۲۶	۰/۴۵۹۸۳
۱۳۵۸	۰/۲۴۶۳۷۱	۰/۱۸۲۴۸۹	۰/۰۰۱۷۵۴	۰/۳۰۱۹۵۹
۱۳۵۹	۰/۲۰۲۴۷۴	۰/۱۵۱۳۳۶	۰/۰۰۱۹۱۱	۰/۳۸۲۹۸۸
۱۳۶۰	۰/۲۷۲۶۳۳	۰/۲۰۴۶۸۴	۰/۰۰۳۲۵۴	۰/۵۲۴۵۱۷
۱۳۶۱	۰/۲۷۲۶۶۳	۰/۱۹۳۸۸۶	۰/۰۰۳۲۰۳	۰/۳۶۳۳۶۲
۱۳۶۲	۰/۳۱۵۶۸۳	۰/۲۱۶۹۳۵	۰/۰۰۳۷۴۲	۰/۴۴۷۶۲۳
۱۳۶۳	۰/۳۶۳۰۲۳	۰/۲۶۷۹۸۱	۰/۰۰۴۳۱	۰/۶۵۴۴۵۷
۱۳۶۴	۰/۴۰۱۹۲۱	۰/۳۰۸۵۰۳	۰/۰۰۴۸۶	۰/۸۶۹۶۰۵
۱۳۶۵	۰/۴۲۵۰۹۲	۰/۳۲۴۵۶۹	۰/۰۰۵۳۰۲	۲/۴۵۸۲۵۳
۱۳۶۶	۰/۳۵۳۸۵	۰/۲۸۲۹۷۵	۰/۰۰۵۳۸۵	۱/۳۴۴۵۵۸
۱۳۶۷	۰/۲۹۰۶۴۳	۰/۲۳۴۲۹	۰/۰۰۵۴۵۶	۱/۴۷۷۰۱۸
۱۳۶۸	۰/۳۵۰۹۱	۰/۲۷۵۱۸۷	۰/۰۰۶۲۰۳	۱/۵۴۱۱۲۶
۱۳۶۹	۰/۳۹۵۵۸۴	۰/۲۸۰۱۱۴	۰/۰۰۷۷۵۶	۱/۵۱۵۶۹۳
۱۳۷۰	۰/۴۹۵۱۶۵	۰/۳۴۰۴۳۸	۰/۰۱۱۲۸۴	۲/۶۶۱۹۸۱
۱۳۷۱	۰/۴۸۴۷۸۹	۰/۳۴۳۷۷۴	۰/۰۱۴۸۰۸	۰/۷۳۳۹۳۹

ارزیابی اثر اقتصادی درآمدهای مالیاتی بر میزان مخارج ... ۹۳

ادامه جدول شماره ۳

سال	نسبت مالیات به مخارج جاری دولت (T/G ₁)	نسبت مالیاتها به کل مخارج (T/G ₁ +G ₂)	نسبت مالیاتها به تولید ملی (T/GDP)	نسبت مالیاتها به درآمد نفتی (T/OR)
۱۳۷۲	۰/۲۹۷۴۲۲	۰/۱۹۴۴۴۲	۰/۰۱۵۷۰۵	۰/۲۷۶۵۹۵
۱۳۷۳	۰/۲۷۴۴۱۳	۰/۱۸۵۵۴۶	۰/۰۲۱۱۲۹	۰/۲۵۵۶۳۳
۱۳۷۴	۰/۲۵۴۰۱۸	۰/۱۷۴۲۷۷	۰/۰۲۷۳۳۵	۰/۲۴۸۴۷۹
۱۳۷۵	۰/۳۳۲۲۴	۰/۲۱۷۰۱	۰/۰۴۴۲۵۵	۰/۳۲۹۲۰۱
۱۳۷۶	۰/۳۸۵۷۱۸	۰/۲۶۵۰۵۴	۰/۰۵۹۴۴۶	۰/۴۷۵۸۹۱
۱۳۷۷	۰/۳۴۸۹۸۴	۰/۲۶۳۳۰۱	۰/۰۶۲۲۶	۰/۶۶۲۸۸
۱۳۷۸	۰/۳۷۸۶۵۲	۰/۲۷۷۰۳۳	۰/۰۸۴۷۱	۰/۵۸۰۶۴۳
۱۳۷۹	۰/۳۹۷۵۷۵	۰/۳۰۳۲۰۵	۰/۰۱۰۲۶۰۹	۰/۵۵۲۴۴
۱۳۸۰	۰/۴۴۹۷۵۶	۰/۳۵۲۲۳۳	۰/۰۱۳۷۳۰۶	۰/۶۵۰۱۸۸
۱۳۸۱	۰/۳۴۱۲۳۹	۰/۲۷۲۷۸۵	۰/۰۱۴۲۴	۰/۴۹۹۱۶
۱۳۸۲	۰/۳۶۵۲۰۱	۰/۲۷۲۱۱	۰/۰۱۷۱۷۶۱	۰/۵۰۷۹۷۵
۱۳۸۳	۰/۳۶۴۰۰۵	۰/۲۸۵۳۴۸	۰/۰۲۱۲۴۸۵	۰/۵۶۱۲۶۱

منبع: برآورد محقق

بر اساس آمارهای وزارت امور اقتصادی و دارایی، وصولی درآمدهای مالیاتی اعم از مستقیم و غیرمستقیم در هشت ماهه نخست سال ۱۳۸۵ معادل ۹۶/۶۷۷ میلیارد ریال بوده است که در مقایسه با مبلغ وصولی مدت مشابه سال ۱۳۸۴، در حدود ۳۰/۸ درصد افزایش نشان می‌دهد. در این میان، نسبت وصولی درآمدهای مالیاتی در هشت ماه نخست سال ۱۳۸۵ به کل دریافت‌های دولت به حدود ۲۶ درصد رسیده است، در حالی که این نسبت در مدت مشابه سال ۱۳۸۴ معادل ۲۷/۲ درصد بوده است. طی سالهای اخیر درآمدهای مالیاتی در کشور افزایش یافته است. بر اساس آمارهای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، درآمدهای مالیاتی از ۱۱۸۷/۹ میلیارد ریال در سال ۶۸ به ۱۳۴۵۷۴/۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۴ رسیده است. به این ترتیب، درآمدهای مالیاتی دولت در سال ۱۳۸۴ نسبت به سال ۱۳۶۸ بیش از ۱۱ هزار درصد رشد نشان می‌دهد که بیشتر آن به دلیل تورم است. از مجموع درآمدهای مالیاتی دولت در سال گذشته، حدود ۵۰۵۴۴/۸ میلیارد ریال، مالیاتهای غیرمستقیم و حدود ۸۴۰۲۹/۶ میلیارد ریال، مالیاتهای مستقیم بوده است، ضمن اینکه درآمدهای مالیاتی سال ۱۳۸۴ دولت نسبت به

سال ۱۳۸۳ حدود ۵۹/۴ درصد رشد نشان می‌دهد. از کل مالیاتهای غیرمستقیم دولت در سال ۱۳۶۸ به ترتیب ۳۴۹/۷ و ۱۷۸/۴۲ میلیارد ریال، مالیات بر واردات و مالیات بر کالاها و خدمات بوده است که در سال ۱۳۸۴ به ترتیب به ۳۵۹۵۴/۱ و ۱۴۵۹۰/۷ میلیارد ریال رسیده است. به طور کلی، درآمدهای مالیاتی دولت طی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴ رشد نامتوازن و ناپایداری را تجربه کرده است، به طوری که رشد درآمدهای مالیاتی از ۲۰/۴ درصد سال ۱۳۶۸ به ۶۳ درصد در سال ۱۳۷۰ رسیده و سپس با یک افت شدید، در سال ۱۳۷۲ به ۷/۶ درصد کاهش یافته است. در طی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴، مالیاتهای غیرمستقیم دولت در سالهای ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ از رشد منفی برخوردار شده است که مهم‌ترین دلیل آن، رشد منفی درآمدهای مالیات بر کالاها و خدمات و مالیات بر واردات در این سالها بوده است. درآمدهای مالیاتی دولت در سال ۱۳۸۵ نسبت به سال ۱۳۸۴، حدود ۳۲/۵ درصد رشد داشته است.

جدول شماره ۴. بررسی روند درآمدهای مالیاتی دولت طی سالهای ۱۳۶۸ - ۱۳۸۵

(میلیارد ریال)

سال	مالیاتهای مستقیم			مالیاتهای غیرمستقیم			کل	درصد رشد درآمدهای مالیاتی
	مالیات بر ثروت	مالیات بر درآمد	مالیات بر شرکتها	مالیات بر کالاها	مالیات بر واردات	مالیات غیرمستقیم		
۱۳۶۸	۹۶/۲۵	۲۲۳/۳۹	۳۴۰/۰۹	۱۷۸/۴۲	۳۴۹/۷	۵۲۸/۱۲	۱۱۸۷/۹	۲۰/۴
۱۳۶۹	۱۱۸/۸۱	۳۰۹/۱۸	۴۹۵/۵۶	۲۶۹/۰۵	۵۰۲/۳۶	۷۷۱/۴۱	۱۶۹۵	۴۲/۷
۱۳۷۰	۱۳۸/۶۳	۲۸۲/۷۷	۷۷۴/۶۲	۴۱۷/۲۹	۹۵۱/۹۳	۱۳۶۹/۲۲	۲۷۶۵	۶۳/۱
۱۳۷۱	۱۴۷/۲۹	۵۴۶/۷	۱۲۹۷/۲۹	۵۳۸/۸۷	۱۲۴۵/۳۵	۱۷۸۴/۲۲	۳۷۷۵/۵	۳۶/۵
۱۳۷۲	۲۴۸/۶۷	۷۶۶	۱۶۰/۱/۱	۳۲۲/۲۳	۱۱۲۳/۴	۱۴۴۵/۶۳	۴۰۶۱/۳	۷/۶
۱۳۷۳	۳۳۰/۹۹	۱۱۲۴/۹۳	۲۳۹۸/۲۵	۳۵۲/۴۱	۱۲۸۴/۲۵	۱۶۳۶/۶۶	۵۴۹۰/۸	۳۵/۲
۱۳۷۴	۴۸۳/۴۱	۱۸۶۹/۲۳	۳۲۹۶/۱۲	۴۱۴/۳۵	۱۲۴۹/۸۸	۱۶۶۴/۲۳		
۱۳۷۵	۵۹۸/۵۸	۲۹۹۳/۶۷	۵۳۷۸/۲۷	۶۵۵/۲۸	۱۹۳۴/۳۷	۳۵۸۹/۶۵	۱۲۵۶۰/۲	۷۱/۸
۱۳۷۶	۷۱۰/۵۵	۳۴۸۴/۶۲	۶۸۵۷/۸۳	۲۰۰۲/۳۹	۴۲۸۹/۱۹	۶۲۹۱/۵۸	۱۷۳۴۴/۵۷	۳۸/۱
۱۳۷۷	۸۵۵/۵۶	۳۸۳۷/۰۹	۷۹۲۳/۶۴	۱۵۷۸/۵	۴۴۳۱/۸۵	۶۰۱۰/۳۵	۱۸۶۸۶/۶۴	۷/۷
۱۳۷۸	۱۱۵۲/۴۷	۵۳۸۳/۱۲	۱۰۰۴۸/۴۷	۳۴۴۲/۱۷	۵۸۰۵/۱۳	۹۲۴۷/۳	۲۵۸۳۱/۳۶	۳۸/۲

ادامه جدول شماره ۴

سال	مالیاتهای مستقیم			مالیاتهای غیرمستقیم			کل درآمدهای مالیاتی	درصد کل درآمدهای مالیاتی
	مالیات بر ثروت	مالیات بر درآمد	مالیات بر شرکتها	مالیات بر کالاهای	مالیات بر واردات	مالیات غیرمستقیم		
۱۳۷۹	۱۴۵۵/۱	۶۸۳۴	۱۱۲۹۵/۵	۸۹۰۷/۴	۸۰۹۳/۲	۱۷۰۰۰/۶	۳۶۵۸۵/۲	۴۱/۶
۱۳۸۰	۱۹۱۲/۳	۸۷۰۳/۷	۱۲۳۷۱/۹	۶۹۵۷/۶	۱۱۸۴۰/۶	۱۸۷۹۸/۲	۴۱۷۸۶/۱	۱۴/۲
۱۳۸۱	۲۶۴۶/۶	۸۲۴۷/۶	۱۷۱۵۲/۳	۶۱۳۰/۱	۱۶۴۰۹/۳	۲۲۵۳۹/۴	۵۰۵۸۶/۵	۲۱/۱
۱۳۸۲	۲۶۴۹/۷	۹۰۰۸/۳	۲۰۳۷۵/۷	۱۰۶۶۴/۴	۲۲۴۰۰/۹	۳۳۰۶۵/۳	۶۵۰۹۹/۱	۲۸/۷
۱۳۸۳	۴۰۹۶/۱	۱۱۷۷۳/۳	۲۶۰۲۷/۵	۹۴۳۶/۹	۳۳۰۸۷/۳	۴۲۵۲۴/۲	۸۴۴۲۱/۱	۲۹/۷
۱۳۸۴	۴۳۱۶/۶	۱۵۲۵۳/۱	۶۴۴۵۹/۹	۱۴۵۹۰/۷	۳۵۹۵۴/۱	۵۰۵۴۴/۸	۱۳۴۵۷۴/۴	۵۹/۴
۱۳۸۵*	۶۳۶۸/۷	۱۸۸۳۴/۳	۸۰۰۸۹/۶	۱۵۸۴۵/۲	۵۷۱۶۸/۵	۷۳۰۱۳/۷	۱۷۸۳۰۶/۳	۳۲/۵

منبع: از قوانین بودجه و آمارهای سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۸۴.

* پیش‌بینی سازمان مالیاتی براساس قانون بودجه سال ۱۳۸۵ کل کشور.

بحث دیگری که اهمیت بسیاری دارد افزایش نقش دولت در اقتصاد پس از پیروزی انقلاب اسلامی است. بر اساس قانون حمایت و توسعه صنایع بسیاری از شرکتهای مصادره شده، ملی اعلام شدند و علاوه بر این جنگ تحمیلی نیز باعث افزایش دخالت دولت در اقتصاد شد. از این گذشته سلطه بخش عمومی و سازمانهای نیمه دولتی در قالب انواع بنیادها و شرکتهای وابسته به دولت و افزایش استانهای کشور و در پی آن شهرها و شهرستانها و حتی افزایش وزارتخانه‌های متعدد باعث افزایش شدید حجم دولت و افزایش مخارج دولت شده است.

البته برای اندازه‌گیری حجم دولت معیارهای مختلفی وجود دارد که مهم‌ترین آنها نسبت مالیاتها به مخارج دولت و نسبت درآمدهای مالیاتی به محصول ناخالص داخلی است. در کشورهای پیشرفته استفاده از هر دو معیار برای تبیین اهمیت بخش عمومی تقریباً نتایج یکسانی به بار می‌آورد ولی در کشورهایی مانند کشور ما این امر نمی‌تواند صحیح باشد. با آنکه سهم مالیاتها در تولید، همان طوری که در جدول شماره (۱) نیز نشان داده شده است رقم بسیار ناچیزی را تشکیل می‌دهد، سهم مخارج شفاف دولت در محصول ناخالص داخلی در سالهای یادشده حدود ۳۰ درصد بوده و همواره سهم

مخارج دولتی بیش از مالیاتها بوده است. آمارها نشان می‌دهد که نسبت مالیاتها به مخارج جاری دولت در طول دهه اخیر کمتر از ۵۰ درصد بوده است.

همان‌طور که بیان شد برخلاف جهت‌گیریهای برنامه اول و دوم توسعه در کاهش تصدی دولت، میزان دخالت دولت روندی افزایشی داشته است. جهت‌گیریهای برنامه سوم توسعه هم در راستای کاهش تصدی دولت تدوین شده بود. به عنوان نمونه واگذاری شرکتهای دولتی به بخش خصوصی یا ادغام وزارتخانه‌های جهاد سازندگی و کشاورزی و صنایع معادن و ایجاد دو وزارتخانه جدید و ادغام دو سازمان مهم امور اداری و استخدامی کشور و برنامه و بودجه و تشکیل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی همچنین ادغام چندین سازمان دیگر طی برنامه سوم توسعه خود نمادی از این جهت‌گیریها است. هر چند پیش‌بینی می‌شود که این مسئله الحاق نباشد بلکه ادغام باشد و در عمل کاهش تصدی دولت و کاهش هزینه‌ها و تعدیل مازاد نیروها را در پی داشته باشد، به جز این امر هیچ‌گونه اثر مثبتی احساس نخواهد شد. حتی ممکن است هزینه‌های دولت هم اضافه شود. البته در برنامه چهارم توسعه اقتصادی کشور کاهش تصدی دولت براساس اجرایی شدن اصل ۴۴ قانون اساسی بسیار مد نظر است^۱.

به هر حال با وجود سهم پایین مالیاتها در تأمین مخارج دولت، روند رو به رشد نسبت، نشان دهنده مخارج دولت به محصول ناخالص داخلی ملاحظه می‌شود که رشد این نسبت، نشان دهنده دخالت گسترده دولت در اقتصاد است^۲.

نرخ بیکاری (UR): یکی دیگر از عوامل مؤثر در افزایش هزینه‌های جاری دولت، نرخ بیکاری است که به دو طریق مستقیم و غیرمستقیم هزینه‌های جاری دولت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. درآمدهای نفتی: به منظور نشان دادن آثار این متغیر بر هزینه‌های جاری دولت از علامت OIR استفاده شده است.

۱. براساس گزارش بنیاد تحقیقاتی هریتیج دولت ایران طی سالهای ۲۰۰۳-۲۰۰۶ بالاترین سطح مداخله در اقتصاد را در میان ۱۶۰ کشور جهان داشته است و رتبه اول از نظر میزان تصدی در اقتصاد را داراست. استرالیا رتبه ۱۱، آمریکا ۱۲، کانادا ۱۳، سوئیس ۱۴، ژاپن ۱۵، انگلستان ۶۶، کره جنوبی ۶۷ و هندوستان رتبه ۹۶ میزان تصدی دولت را در اقتصاد دارند.

۲. براساس لایحه بودجه سال ۱۳۸۶ بودجه کل کشور و بودجه عمومی نسبت به سال ۱۳۸۵، به ترتیب ۱۹/۶ و ۳/۶ درصد رشد دارد. میزان درآمدهای مالیاتی ۱۸/۴ درصد و سایر درآمدها ۲۲/۲ درصد رشد خواهد داشت. همچنین نسبت هزینه‌های جاری از کل بودجه از ۶۲/۷ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۴۲/۹ درصد در سال ۱۳۸۶ کاهش پیدا کرده است.

ارزیابی اثر اقتصادی درآمدهای مالیاتی بر میزان مخارج ... ۹۷

برنامه‌های عمرانی: با توجه به اینکه سیاستهای دولت در زمینه برنامه‌های عمرانی، از طریق هزینه‌های سرمایه دولت مشخص می‌شود، به منظور نشان دادن اثر برنامه‌های عمرانی بر هزینه‌های جاری دولت، از هزینه سرمایه‌ای به عنوان یکی از متغیرها استفاده شده است.

میزان تورم: افزایش مداوم و بی‌رویه سطح عمومی قیمت‌ها در دوره زمانی معین را تورم گویند. شاخصهای مختلفی برای نشان دادن سطح عمومی قیمت‌ها وجود دارد. روند تمام این شاخصها با یکدیگر سازگاری دارند و می‌توان از آنها در محاسبه نرخ تورم استفاده کرد ولی به اقتضای مقاله حاضر از شاخص (CPI) برای محاسبه نرخ تورم استفاده شده است. منطق علمی این امر، آن است که قسمت مهمی از هزینه‌های جاری دولت را هزینه مصرفی دولت تشکیل می‌دهد.

تعداد شاغلان کشور (NE): تعداد شاغلان در بخشهای مختلف اقتصادی که صاحب درآمد و پرداخت کننده مالیات هستند. در اینجا کارکنان دولت (GO) نیز به عنوان یک متغیر در نظر گرفته شده است.

جمعیت کشور (POP): افزایش شدید جمعیت طی سالهای اخیر باعث افزایش خدمات عمومی دولت شد. این متغیر یکی از عوامل مهم در افزایش هزینه‌های جاری دولت می‌باشد. باید دولت با توجه به افزایش جمعیت و افزایش خدمات شهری برای جبران آن مالیات وضع کند.

درآمدهای مالیاتی (T): افزایش درآمدهای عمومی دولت عامل مهمی در افزایش هزینه‌ها و توان دولت برای مصرف است، بنابراین درآمدهای مالیاتی اثر مثبتی بر افزایش مخارج جاری دولت طی دوره مورد بررسی داشته است.

تولید ناخالص داخلی به قیمت واقعی (GDP_T): افزایش تولید واقعی به عنوان یک شاخص اصلی در فعالیتهای اقتصادی دولت نقش مهمی در افزایش درآمدهای مالیاتی جامعه و افزایش رشد اقتصادی خواهد داشت بنابراین تولید ملی به عنوان یک عامل مثبت در افزایش تولید سرانه تلقی می‌شود.

۵. برآورد الگوی مالیاتها و اثر آن بر هزینه‌های جاری دولت

در مقاله حاضر سعی بر آن است که با استفاده از برآورد الگوهای اقتصادسنجی به تفسیر ضرایب متغیرها و به بررسی عوامل مؤثر در افزایش مالیاتها به عنوان منبع اصلی و مطمئن درآمدهای دولت پردازیم. در مورد برآورد الگوهای اقتصادسنجی، ضمن بررسی و بهره‌گیری از نظریه‌های مربوط به رشد میزان درآمدهای مالیاتی دولت و تحقیقات انجام شده در زمینه علل رشد هزینه‌های عمومی در

کشورهای خارجی، متغیرهای منحصر به فردی را که در کشور ایران از علل رشد مالیاتها و هزینه‌های جاری دولت است در مدل‌های اقتصادسنجی در نظر گرفته‌ایم. به عبارت دیگر هدف آن است که ضمن در نظر گرفتن متغیرهای فراگیر در الگوهای اقتصادسنجی، به بررسی متغیرهای مؤثر در افزایش میزان مالیاتهای دولت که خاص کشور ایران است بپردازیم.

حدود بررسی زمانی در این مقاله مربوط به سالهای ۱۳۸۳-۱۳۵۷ است که در برآورد مدلها، از اطلاعات این دوره استفاده شده است و در یک الگوی اقتصادسنجی به اقتضای دسترسی به آمار و اطلاعات، مجبور به انتخاب این دوره زمانی شده‌ایم. در برآورد الگوهای اقتصادسنجی از بسته نرم‌افزاری Eviews و روش حداقل مربعات معمولی استفاده شده است.

در این قسمت به بررسی تجربی اهمیت موضوع مورد مطالعه خواهیم پرداخت و ضمن ارائه الگوهای مختلف اقتصادسنجی در زمینه علل رشد هزینه‌های جاری دولت و تأثیر میزان مالیاتها بر آن به تفسیر نتایج الگوهای اقتصادسنجی پرداخته خواهد شد.

۶. بررسی تجربی با استفاده از الگوی اقتصادسنجی

با تکیه بر اطلاعات سری زمانی کشور ایران در دوره ۱۳۸۳-۱۳۵۷، سهم کل مخارج دولت در تولید ناخالص داخلی (GDP)، به‌طور متوسط ۳۳ درصد است که از این مقدار ۲۱ درصد مربوط به سهم مخارج جاری دولت در تولید ناخالص داخلی و ۱۱ درصد آن مربوط به سهم هزینه‌های سرمایه‌ای دولت است. همچنین سهم مخارج جاری دولت در کل مخارج دولت تقریباً برابر با ۷۰ درصد و سهم مخارج سرمایه‌ای دولت در کل مخارج دولت تقریباً برابر با ۳۰ درصد است. در این راستا سهم درآمدهای مالیاتی نسبت به تولید ناخالص داخلی واقعی و مخارج جاری دولت قابل بررسی است که باید سهم مالیاتها نسبت به مخارج جاری دولت در برنامه توسعه چهارم افزایش چشم‌گیری داشته باشد. این نسبت باید به عنوان یک شاخص اساسی برای تأمین مخارج جاری دولت تلقی شود.

حال با توجه به اینکه کسری بودجه حاصل از تفاوت درآمدها و هزینه‌های عمومی است می‌توان نتیجه گرفت که سهم هزینه‌های جاری دولت در افزایش کسری بودجه بیشتر است. با این بررسی می‌توان از طریق افزایش درآمدهای مالیاتی و سایر منابع مالی دولت، مخارج کل دولت را

ارزیابی اثر اقتصادی درآمدهای مالیاتی بر میزان مخارج ... ۹۹

تأمین کرد.^۱ به منظور بررسی اهمیت موضوع مورد مطالعه، بر اساس مدل برآوردی که نتایج آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم نشان داده شده که عوامل گوناگونی بر میزان مالیاتها در کشور مؤثر است که ما تعدادی از آنها را در مدل مورد نظر پردازش می‌کنیم.

$$G_1 = f(OR, IFR, UR, ER, G_2, T, GDPr, GO, \dots) \quad (1)$$

مخارج جاری دولت (G_1) به عنوان متغیر وابسته و تولید ناخالص داخلی ($GDPr$)، تعداد کارکنان دولت (GO)، مالیاتها (T)، درآمدهای نفتی (OIR) و مخارج عمرانی دولت (G_2) نرخ تورم (IFR)، نرخ بیکاری (UR)، به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است. با توجه به پردازش الگوی اقتصادسنجی به روش حداقل مربعات معمولی نتایج کمی آن به صورت رابطه‌ای که در پی می‌آید خواهد بود و در نهایت آن را به عنوان مدل نهایی انتخاب کرده و نتایج حاصل از آن را بیان می‌کنیم و نشان می‌دهیم که افزایش مالیاتها چه نقشی در افزایش مخارج جاری دولت دارد.

$$G_1 = [\beta_0 + \beta_1 T + \beta_2 OIR + \beta_3 IFR + \beta_4 ER + \beta_5 G_2 + U_i] \quad (2)$$

با توجه به بررسی به عمل آمده در پردازش الگوی اقتصادسنجی (OLS) به طور نهایی الگوی زیر را به عنوان یک الگوی مورد نظر در مورد اثر مالیاتها بر مخارج جاری دولت بررسی کنیم.

$$G_1 = [\beta_0 + \beta_1 T + \beta_2 G_2(-1) + \beta_3 OIR - \beta_4 UR] \quad (3)$$

نتایج کمی الگوی نهایی اقتصادسنجی به این صورت بیان می‌شود:

$$G_1 = 1410/8 + 1/100774 T + 0/487018 G_2(-1) + 0/758502 OIR - 652/9 UR$$

$$(1/30) \quad (4/26) \quad (2/069) \quad (6/299) \quad (-3/27)$$

$$R^2 = 0/99$$

$$DW = 2/7$$

$$F = 18/38$$

(اعداد داخل پرانتز آماره t است)

۱. افزایش سهم مالیات به منابع عمومی بودجه از ۲۵/۸ درصد در سال ۱۳۸۳ به ۲۸/۱ درصد در سال ۱۳۸۴ و ۲۹/۳ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است. نسبت مالیات به مخارج جاری از ۳۶/۴ درصد در سال ۱۳۸۳ به ۴۴/۱ درصد در سال ۱۳۸۴ و این نسبت در سال ۱۳۸۵ به ۴۴/۵ درصد رسیده است.

نتایج حاصل از پردازش الگو نشان می‌دهد با افزایش یک واحد در میزان مالیاتها ۱/۱ واحد مخارج جاری دولت افزایش می‌یابد. مخارج عمرانی (G_p) و درآمدهای نفتی (OIR) اثر مثبت و معنی داری بر میزان مخارج جاری دولت (G_1) دارند. در نظریه‌های اقتصادی بیان می‌شود که هر چه سهم مالیاتها در تأمین هزینه‌های جاری دولت بیشتر باشد، آثار نامطلوب اقتصادی به میزان چشم‌گیری کاهش خواهد یافت. از سوی دیگر از نتایج الگو چنین نتیجه‌گیری می‌شود که منابع درآمدهای نفتی در کشور اثر قابل توجهی بر میزان دریافت مالیاتها از بخشهای اقتصادی کشور دارد، در طی دوره مورد بررسی، هر زمان درآمدهای نفتی افزایش پیدا کرده، مالیاتها کاهش پیدا کرده است و این نتیجه وابستگی اقتصاد به درآمدهای نفتی است.

۷. خلاصه، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

شناسایی عوامل مؤثر بر مخارج جاری در هر کشوری اهمیت بسیار دارد زیرا از این طریق می‌توان برای افزایش درآمدهای مالیاتی و تعدیل هزینه‌های جاری در کشور گام برداشت. در این مقاله براساس تخمین الگوهای اقتصادسنجی، تأثیر هر کدام از عوامل یاد شده بر میزان مخارج جاری در کشور بررسی شده و ضرایب به دست آمده تفسیر و تجزیه و تحلیل شده است. به طور خلاصه می‌توان به منظور افزایش درآمدهای مالیاتی در کشور و منطقی کردن بودجه دولت و اعتدال و صرفه جویی در مخارج جاری دولت در سطح کلان که بیشتر مدنظر است مواردی را بیان کرد:

- افزایش درآمدهای مالیاتی از طریق تغییر ساختار در چگونگی اخذ مالیات از بنگاهها و سایر بخشهای اقتصادی،
- تغییر در ترکیب مخارج دولت،
- تجدید نظر در تشکیلات دولتی،
- مشارکت دادن بخش خصوصی در آموزش عالی کشور و حرکت به سمت خصوصی سازی،
- ثبات در نرخ ارز در اقتصاد کشور.

ارزیابی اثر اقتصادی درآمدهای مالیاتی بر میزان مخارج ... ۱۰۱

۱-۷. افزایش درآمدهای مالیاتی از طریق تغییر ساختار در چگونگی اخذ مالیات از بنگاهها و سایر بخشهای اقتصادی

بدون شک برای تأمین بخشی از مخارج جاری دولت با توجه به عملکرد مالیاتها در مقایسه با مخارج جاری در هر کشور باید تحول اساسی در نظام مالیاتی و تغییر اساسی در نظام اجرایی و چگونگی جمع‌آوری مالیات از بنگاههای اقتصادی و سایر بخشها در اقتصاد ایجاد شود. به عبارت دیگر باید مالیاتهای با مبنای وسیع‌تر که درآمد قابل توجهی برای دولت به وجود می‌آورد معرفی کرد. در این مورد با توجه به تجربه کشورهای مختلف به‌ویژه کشورهای در حال توسعه در اصطلاح نظام مالیاتی و با توجه به وضع مالیاتها در کشور ما مالیات بر ارزش افزوده را به‌طور جدی مورد توجه قرار می‌دهند. این مالیات که در حقیقت نوعی مالیات بر فروش عمومی است مبنای بسیار وسیعی دارد که می‌تواند کالاها و خدمات مختلفی را در برگیرد. چنانچه این مالیات با برنامه‌ریزی دقیق انجام گیرد می‌تواند درآمد مالیاتی قابل توجهی برای دولت ایجاد کند و از این طریق درآمدهای عمومی دولت را افزایش دهد.^۱

۲-۷. تغییر در ترکیب مخارج دولت

با توجه به نتایج به‌دست آمده در این مقاله، تنظیم بودجه در سطح کلان کشور باید متناسب با ظرفیتهای کشور صورت گیرد. همچنین جهت‌گیری آن باید به سوی اعمال انضباط مالی، اداری و توجه به واقعیتهای کشور باشد و زمینه اصلاح ساختار کلی اقتصاد را فراهم آورد. بنابراین در ترکیب مخارج دولت اول باید اهمیت بیشتری برای مخارج سرمایه‌گذاری دولت قائل شد و دوم، در میان اجزای سرمایه‌گذاری دولتی باید سهم سرمایه‌گذاری در امور اقتصادی که مستقیماً مولد است افزایش یابد.

در مورد مخارج دولت باید گفت هر چه سهم مخارج سرمایه‌گذاری دولت به‌ویژه در بخشهایی مانند کشاورزی، صنایع، معدن و ساختمان که مستقیماً مولد است افزایش یابد در این صورت در

۱. ماده ۲ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی کشور به منظور برقراری انضباط مالی و بودجه‌ای در طی سالهای برنامه:
الف- دولت مکلف است سهم اعتبارات هزینه‌ای تأمین شده از محل درآمدهای غیرنفتی دولت را به گونه‌ای افزایش دهد که تا پایان برنامه چهارم، اعتبارات هزینه‌ای دولت به‌طور کامل از طریق درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهای غیرنفتی تأمین شود.

ب- تأمین کسری بودجه از طریق استقراض از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و نظام بانکی ممنوع است.

مجموع می‌توان امیدوار بود که این امر باعث تشویق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نیز بشود زیرا افزایش سرمایه‌گذاری در بلندمدت می‌تواند باعث افزایش نرخ رشد واقعی در اقتصاد شود.

۳-۷. تجدید نظر در تشکیلات دولتی و کاهش کارکنان دولت

دولت باید تعداد کارکنان خود را که پس از انقلاب اسلامی افزایش یافته است، تعدیل کند. حجم تشکیلات دولت باید به صورت جدی کاهش یابد و ضرورت دارد دستگاههای دولتی به جای گسترش بی‌رویه تشکیلات بر کارایی و تواناییهای اجرایی و عملی خود بیفزایند. علاوه بر این واگذاری فعالیتها به بخش خصوصی آن هم با یک برنامه‌ریزی دقیق و همراه با نظارت دولت با توجه به افزایش بهره‌وری و کارایی بخش خصوصی می‌تواند عملکرد اقتصاد کلان کشور را نیز بهبود بخشد. شاید مناسب‌تر باشد که خدمات دولتی در راستای استفاده و پوشش اقشار کم‌درآمد هدایت شود و اقشار دارای درآمدهای بالاتر خود موظف به تأمین هزینه این گونه خدمات باشند. برای نیل به چنین مقصودی، روشهای مختلفی نظیر مشارکت دادن بخش خصوصی در آموزش و پرورش و آموزش عالی کشور و تشویق مردم به مشارکت قابل تصور است. در طی چند سال اخیر افزایش تعداد مراکز آموزش عالی که از بودجه عمومی دولت تغذیه می‌شوند، باعث افزایش شدید در بودجه جاری دولت و حتی بودجه عمرانی شده است. بنابراین روند کنترل و اداره مراکز آموزش عالی با توجه به افزایش تعداد دانشجویان، افزایش رشته‌های تحصیلی، افزایش فضاهای فیزیکی و به دنبال آن افزایش تعداد پرسنل اداری و خدماتی و پذیرش اعضای هیئت علمی احتیاج به بودجه زیادی دارد. بنابراین دولت باید نظام آموزش کشور را بیشتر به سمت خصوصی سازی سوق دهد. به نظر می‌رسد دولت در آینده توان لازم برای اداره آموزش عالی کشور را نخواهد داشت.

۴-۷. ثبات نرخ ارز در کشور

اثرگذاری نوسانات ارز در سطح اقتصاد کلان امروزه یکی از رایج‌ترین مباحث روز است. به عبارت دیگر، یکی از سؤالات اساسی آن است که تغییرات نرخ ارز چگونه بر تورم و افزایش قیمتها اثر دارد؟ نرخ ارز جزء مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده قیمت مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای، تجهیزات سرمایه‌ای و کالاهای نهایی است. و با توجه به وابستگی بالای تولید و مصرف به واردات به نظر می‌رسد در شکل‌گیری فشارهای تورمی مؤثر باشد. در اقتصاد ایران در سالهای اخیر یکی از علل افزایش

ارزیابی اثر اقتصادی درآمدهای مالیاتی بر میزان مخارج ... ۱۰۳

درآمدهای دولت افزایش قیمت ارز است. بنابراین اثر افزایش ارز و ارتباط آن با تورم و در نهایت با افزایش مخارج جاری دولت خود قابل بررسی است. از این رو پیشنهاد می‌شود که طی برنامه چهارم توسعه نرخ ارز از ثبات بیشتری برخوردار باشد.

در این مقاله پیشنهاد شده، بر اساس برنامه چهارم توسعه و اصول مسلم اقتصاد، دولت باید هرچه سریع‌تر اقتصاد را به سمت کاهش اتکا به درآمدهای نفتی حرکت دهد و بر این اساس اتکا به درآمدهای مالیاتی جایگزین درآمدهای نفت شود.

منابع

الف فارسی

- الیاسی، حمید (۱۳۷۵)، "نقش دولت در اقتصاد"، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، سال یازدهم، شماره اول و دوم، مهر و آبان.
- پژویان، جمشید (۱۳۷۳)، *اقتصاد بخش عمومی*، انتشارات تربیت مدرس.
- پورمقیم، سیدجواد (۱۳۶۹)، *اقتصاد بخش عمومی*، انتشارات نی، چاپ اول.
- تفضلی، فریدون (۱۳۸۱)، *اقتصاد کلان و نظریه‌ها و سیاستهای اقتصادی*، تهران: انتشارات نی، چاپ سیزدهم.
- تقوی، مهدی و علیرضا صنیع دانش (۱۳۷۵)، "علل افزایش حجم فعالیت‌های دولت در ایران از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۰"، *فصلنامه علمی کاربردی مدیریت دولتی*، شماره ۳۲.
- جعفری صمیمی، احمد، محنت فر، یوسف (۱۳۸۵)، "بررسی کشش‌پذیری درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران یک مطالعه تجربی ۱۳۸۳-۱۳۵۷" *فصلنامه بررسی‌های اقتصادی دانشگاه اهواز* شماره دوم.
- جعفری صمیمی، احمد (۱۳۸۵)، *اقتصاد بخش عمومی*، انتشارات سمت، چاپ هشتم، پاییز.
- جعفری صمیمی، احمد (۱۳۷۲)، "بررسی اجمالی ۱۲ نظریه در زمینه رشد بخش عمومی در اقتصاد"، *فصلنامه علمی کاربردی مدیریت دولتی*، شماره بیست و دوم، پاییز.
- خلعتبری، فیروزه (۱۳۷۱)، "بررسی علل بزرگ شدن دولتها"، *مجله علمی پژوهشی اقتصاد و مدیریت*، دوره تحقیقات عالی دانشگاه آزاد اسلامی، انتشارات دانشگاه آزاد، شماره ۱۲، بهار.
- دبیرخانه کمیسیون اقتصادی و اجتماعی اقیانوس آرام (۱۳۷۴)، *نظارت و مدیریت هزینه‌های دولتی: بحثها و تجربه‌ها در چند کشور آسیایی*، ترجمه عزت الله شهیدا، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، چاپ اول.
- ریچارد دوپگی ماسگریو (۱۳۷۰)، *مالیه عمومی در تئوری و عمل*، ترجمه مسعود محمدی، ویدا... ابراهیمی فر، سازمان برنامه و بودجه.

زندى حقيقى، منوچهر (۱۳۴۳) *اقتصاد ماليه عمومى*، انتشارات دانشكده علوم ادارى و مديريت بازرگانى. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۴)، "نشریه گزیده اقتصادى و اجتماعى"، شماره ۴ و ۵، تیر و مرداد. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۸۰)، *مجموعه اطلاعات سرى زمانى آمار حسابهاى مالي، پولى و مالي*. فرزيب، عليرضا (۱۳۸۲)، *بودجه ريزى دولت در ايران*، تهران: انتشارات مؤسسهعالى آموزش و پژوهش مديريت برنامه ريزى، چاپ شانزدهم. كيانى، هژبر (۱۳۶۸)، *اقتصادسنجى و کاربرد آن*، انتشارات بخش فرهنگى جهاد دانشگاهى شهيد بهشتى، چاپ اول، بهار. كرىمى، سعيد و محنت فر يوسف ۱۳۸۵ "بررسى اثر درآمدهاى نفتى بر اندازه دولت در اقتصاد ايران مجموعه مقالات همایش اصل ۴۴ قانون اساسى بهمن ماه. ميلر، راثو (۱۳۷۱)، *اقتصادسنجى کاربردى*، ترجمه حميد ابريشمى، مؤسسه تحقيقات پولى بانك مركزى جمهورى اسلامى ايران، چاپ اول. فرجوند، اسفنديار (۱۳۸۴)، *فراگرد تنظيم تا كنترل بودجه*، چاپ چهاردهم، انتشارات فروش. محنت فر، يوسف (۱۳۷۶)، "عوامل مؤثر بر هزینه‌هاى جارى دولت در استانهاى کشور"، پایان نامه کارشناسى ارشد، دانشگاه مازندران. معاونت امور اقتصادى و دارايى (۱۳۷۴)، "تحليلى بر ماليات بر ارزش افزوده و بررسى مقدماتى اجرايى آن در اقتصاد ايران"، چاپ اول، پاييز. نجارى، داود (۱۳۷۶)، "عوامل مؤثر بر هزینه‌هاى جارى دولت"، پایان نامه کارشناسى ارشد، دانشگاه مازندران.

(ب) انگليسى

- Alan, A. Tail (1991), "VAT Revenue, Inflation And the Foreign Trade Balance" in *Value Added Taxation in Developing Countries*, IMF Washington DC.
- Abrizadeh, Sohrab and Mahmood Yosefi (1988), "Growth of Government Expenditure: The Case of Canada", *Public Finance Quarterly*, Vol. 16, No. 1, pp. 78 – 100.
- Blanchard, O. and R. Perotti (1999), "An Empirical Characterization of the Dynamic Effects of Changes in Government Spending and Taxes on Output", *NBER Working Paper*, No. 7269.
- Devarajan, S., V. Swaroop and H. F. Zou (1996), "The Composition of Public Expenditure and Economic Growth", *Journal of Monetary Economics*, Vol. 37, No. 36, pp. 25-38
- Floster, S. and M. Hensekson (2000), "Growth Effects of Government Expenditure and Taxation in Rich Countries", *European Economic Review*, Vol. 15, No. 28, pp. 45-56.

- Gerxhani, K. and A. Schram (2002), "Tax Evasion and the Source of Income in Experimental Study in Albania and the Netherlands", *Mimeo*, University of Amsterdam.
- Landau, D. (1983), "Government Expenditure and Economic Growth: A Cross-Country Study", *Southern Economic Journal*, Vol. 49, No. 20, pp. 32-41.
- Lindauer, David L. and Ann Velenchik (1992), "Government Spending in Developing Countries: Trends, Causes and Consequences", *The World Bank Research Observer*, Vol. 7, No. 1, pp. 59-78.
- Miller, S. M. and H. Ahmed (1999), *Crowding - Out and Crowding - Effects of the Components of Government Expenditure*, Islamic Development Bank.
- Quang, dao Minh (1995), "Determinants of Government Expenditure", *Oxford Bulletin of Economics and Statistics*, Vol, 57. No. 1, pp. 67-76.
- Rem, R. (1978), "Wagners Hypothesis in Time Series and Cross-Section Perspectives: Evidence from Real Data for 115 Countries", *Review of Economics and Statistics*, Vol. 67, pp. 194-204.
- Schaffer, M. (1994), "Government Subsidies to Enterprises in Central and Eastern Europe: Budgetary Subsidies and Tax Arrears", Working Paper, No. 671, Center for Economic Performance.
- Sham Bhat, K. (1967-1997), "Political Economy of Public Expenditure and Tax Revenue in Indian", *The Indian Economic Journal*, Vol. 44, No. 1, pp. 108-119.